

شهید الله کرم خواجه




از تبار علی
سازمان جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئکر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۸/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۰۲/۰۲
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	دهکهنه

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید الله کرم خواجه در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای مذهبی در شهر شبانکاره چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در شهر شبانکاره سپری نمود. از لحاظ استعداد، دارای هوش بالا، و مبتکری بزرگ بود. از اوان کودکی صاحب اختراعاتی بود، تا اینکه مدتی برای آموزش نیروهای بسیج شهر شبانکاره دو مورد تخریب و انفجار آموزشی در کوهستان مجاور شهر شبانکاره ایجاد می‌کرد. از لحاظ مذهبی عاشق مراسم مذهبی و علاقه زیادی به زهد و ورع داشت. از لحاظ تأمین امرار و معاش روزمره در روزهای تعطیل به کارگری مشغول بود تا قسمتی از هزینه‌های پدرش که او هم کارگری بیش نبود کم نماید. هم درس می‌خواند و هم کار می‌کرد. ایشان بعد از رسیدن به سن بلوغ در طول سالهای دفاع مقدس، به ندای امام خمینی لبیک گفت و چندین بار متوالی عازم جبهه نبرد حق علیه باطل شد. تا سرانجام در سال ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی فاو در حین پاکسازی میدان مین به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

وصیت نامه

اگر چنان چه من شهید شدم ، گریه و زاری نکنید و خطوط شهدا و امام را دنبال کنید که ما غیر از امام خمینی هیچ کس را نداریم ، و من را از خیرات محروم نکنید . ما باید برویم تا اسلام حسینی زنده بماند و دین اسلام را به طرز واقعی خودش تحویل نسل آینده بدهیم .%

خاطرات

خصوصیات شهید از زبان مادرش

ویژگی فرزند شهیدم این بود که نسبت به خانواده و اقوام احساس مسئولیت می کرد. از همان دوران تحصیل به کار مشغول بود. از همان دسترنج برای مخارج تحصیل خود استفاده می کرد. ایشان به پدر خود نیز یاری می رساند.

من مادر شهید هستم و احساس مادر نسبت به فرزندش به وصف قلم نیست. من در قلب خودم، همیشه و در همه حال با شهید در ارتباط هستم. هر چند مدتی یک بار شهید به خوابم می آید و مانند اینکه زنده و رودررو با من سخن می گوید. من همیشه وقتی مشکلی برای خودم یا خانواده ام پیش می آید به روح شهید متوسل می شوم.

زندگی شهید سراسر خاطره است یکی از خاطراتی که برای من و دوستان او همیشه زنده است شجاعت و درستکاری ایشان بود. وقتی از جبهه به مرخصی آمده بود با خود مقداری مواد انفجاری از کار افتاده آورده بود. ایشان با ابتکار خود جهت آموزش بچه های بسیج از آنان استفاده می کرد. بچه های بسیجی و دوستان خود را به صحرا برده و نحوه انفجار یک بمب ساختگی، ابتکار خودش را به بچه ها آموزش می داد وقتی از او سؤال کردم که، چرا این کار را انجام می دهی در جواب به من گفت. که: من زمینه رزمنده شجاع که بتواند جلوی دشمن بجنگد و از صدای انفجار نترسد را در بین دوستان فراهم می کنم.

چون اعزام به جبهه از طریق بسیج صورت می گرفت بچه هایی که اعزام می شدند اکثراً دوست و همشهری بودند. دونفر یکی از دوستان شهید که خود نیز به درجه رفیع شهادت نایل شد، (شهید بزرگوار الله کرم خان عزیزی و شهید والامقام حسینعلی قلی زاده) علاوه بر همسنگر بودن، از کودکی در یک محل بزرگ شده و با هم رفت و آمد خانوادگی داشتند.

شهید در خانواده کاملاً مذهبی به دنیا آمد و چون پدر بزرگ او در بین اهالی مورد احترام بوده و از لحاظ مسائل دینی از علمای برجسته محل بود شخصاً علاقه شدید به شهید داشت. چون همیشه مجالس مذهبی در خانواده ما برگزار می شد شهید در مجلس شرکت داشت. شهید تحصیل را در مقطع دبستان و راهنمایی به پایان رسانید. پس از آن در دوره متوسطه مشغول به تحصیل بود که به فرمان رهبر کبیر انقلاب ندای لبیک گفت و به جبهه ها اعزام شد و در تیپ المهدی به عنوان تخریب چی مشغول خدمت به اسلام و نظام جمهوری اسلامی گردید. با عشق و علاقه خود به عنوان تخریب چی نمونه از طرف تیپ المهدی معرفی و تشویق گردید تا این که در حین مأموریت به درجه رفیع شهادت نایل گردید.

**بخوان حماسه خونین کربلا با ما
که شد بسیط زمین جمله هم صدا با ما**

**سر بریده به میدان عشق می گوید
حدیث خون شهیدان نینوا با ما**

**به دشتهای شقایق نشان ما جویید
که سرخ روی چمن می کند صبا با ما .**

سراینده : ابراهیم اسلام پناه



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران